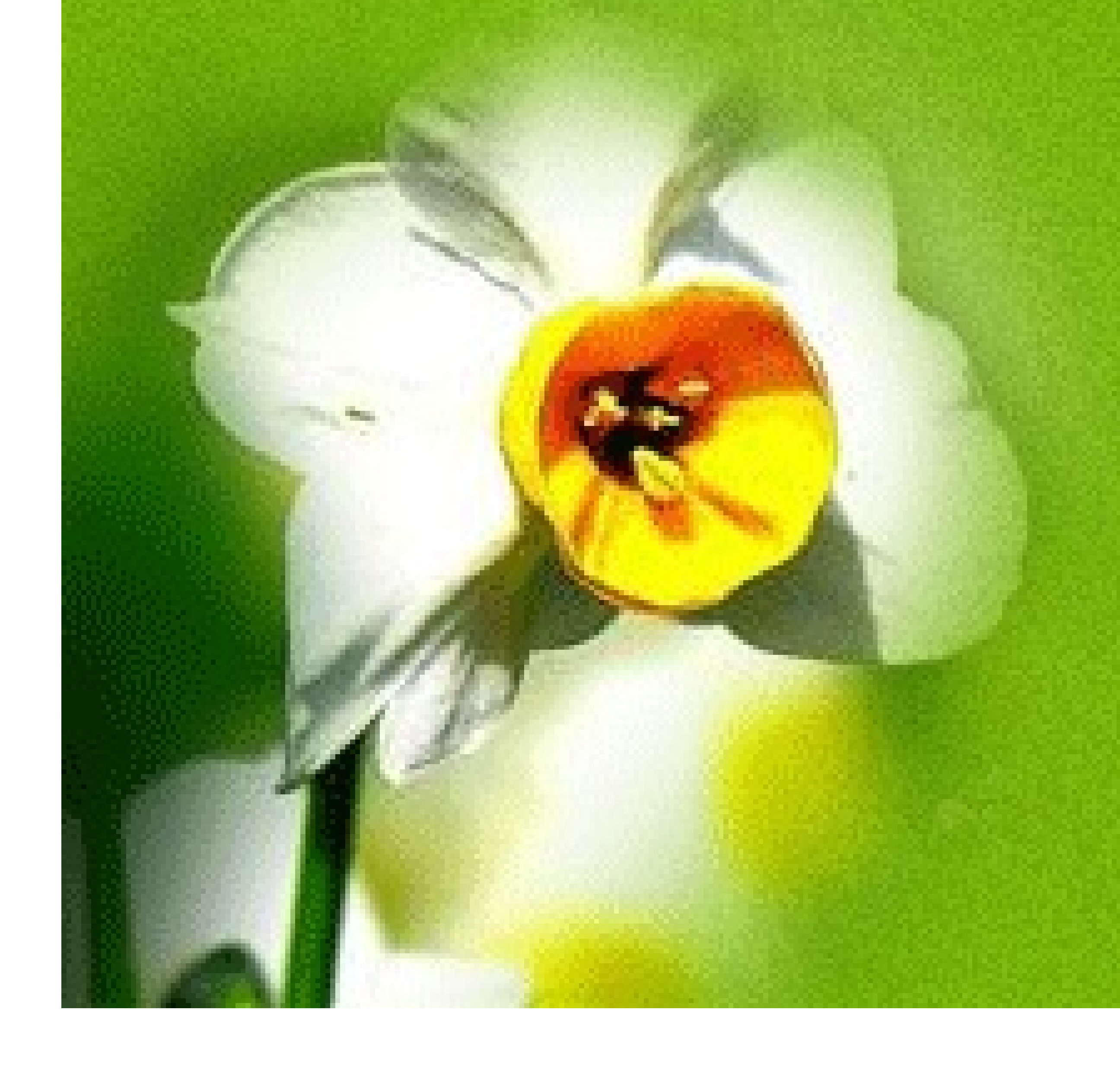
مهدی عجل الله تعالی فرجه

و نهضت عدالتخواهی




بسم الله الرحمن الرحیم

مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و نهضت عدالت خواهی

نویسنده:

مجله حوزه

ناشر چاپی:

مجله حوزه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و نهضت عدالت خواهی

مشخصات کتاب

مهدی و نهضت عدالت خواهی

و اشرقت الاَرض بِنورِ رَبِهااینک افق را بنگرید که خورشید طالع می شود، تاریکی ها را می شکافد و شوکت و سطوت خویش را بر همه جا می گستراند، سپاه فرشتگان در پیش رویش به تعظیم ایستاده، چشم بر فرمان، در پیشاپیش آنان جبرئیل امین دست ادب بر سینه دارد تـا بـا اذن خـدای جلیـل فریاد بردارد و از کران تا کران بانگ خویش را بگسترد که ای مردمان! گوش فرا داریـد و بهوش باشیـد:جاءَ الحَق و زَهَقَ اَلباطِلحق آمد و باطل نابود شدآری در طلیعه آن روز دو خورشیـد طلوع می کند:خورشید منظومه از شرق و خورشیـد مهـدوی از غرب، بـا یاران و همرزمان خویش در کنار یکتا معبـد توحیـد، کعبه مقـدس.آری فرزنـد مولود کعبه قیام الهی خویش را از این جـا به جهانیـان اعلام می دارد. زمـان و زمین در انتظـار این لحظه بی شـکیب بودنـد، شـبها و روزهای بی شـماری گذشـته بود که ناگهـان فرمان پروردگار در رسید، اینک او می آیـد. همه جا را آذین بندیـد، سـر تا پا گوش شویـد تا بشـنوید که صـاحب زمـانه چه میگویـد: او وعـده خـداست و وعـده خداونـد حق است. اکنون اگر نیـک بنگریـد خواهیـد دیـد که گلبرگهـا از خوشـحالی شـکفته انـد و بر روی خورشـید لبخنـد می زننـد. آنـان در انتظـار این زمـان، لحظه شـماری می کردنـد و در تب و تـاب بودند.گلهائی چند نیز پیش از شـکوفائی این نوگلان پژمردند و چشـمشان بر چشـمهٔ خورشـید نیفتادراستی تا آن زمان که خورشـید بدمـد چگونه بایـد زنـدگی را گرمی بخشـید؟ بهتر آنکه یـاد خورشـید را لحظه به لحظه در سـینه هـا مـان زنـده بـداریم تـا فروغش روحمان را گرمی بخشد که فرموده اند: «تَوقع اَمر صاحِبك لَیلَك و نَهارِك»: «شبانه روز در انتظار ظهور صاحب الامر خود باشید.» خورشید را باید پاس داشت، و از نور و گرمیش سخن گفت و او را شناخت و شناساند و تا سرزدنش با تمامی وجود فریاد کنیم: که در انتظار طلوع نشسته ایم. چه بهتر که به فرمودهٔ پیامبر بزرگوار در حـدیث ثقلین این شـناخت را از سـخن خداونـد متعـال و کـلام دُربـار پـاکـان از آل محمـد برگیریم و گوش به پیام دلاز این رو بر آن شـدیم تا خورشـید را در این مجموعه با آن کلمات مقـدس توصـیف کنیم، هر چند که این گزیده برگی از گلستان عطرآگین معارف آن بزرگواران می باشد.آب دریا را اگر نتوان کشید پس به قدر تشـنگی باید چشـیدبا اذعان به ناتوانی خود در این خوشه چینی از خرمن معرفت از حضرت دوست میخواهیم تا یاریمان کند و بتوانیم با اسـتناد به احادیث و روایات به سوالاتی چند پاسـخگو باشـیمهمه افراد کنجکاو ازخود می پرسـند:۱- آیا سرنوشت آینده بشـریت صـلح وعدالت و امنیت وآزادی انسانها از چنگال هرگونه ظلم و سـتم وتبعیض واسـتعمار است؟ یا آ نگونه که بعضـی پیش بینی میکننـد هرج ومرجهـا روز افزون فاصـله هـا بیشتر، ناهمـاهنگی هـا ونا به سامانیها فراوانتر، وسـرانجام یک جنگ اتمی - یا فوق اتمی - عالمگیر، پایه های تمـدن انسانی را ویران خواهـد ساخت، و اگر انسانهای بر روی کره زمین باقی بمانند افرادی عقب مانده، معلول، بینوا ودرمانـده خواهند بود.۲- اگر عقیده نخست صـحیح است وسـرانجام صلح وعدالت است به چه دلیل؟۳- اگر بنا هست جهان به سوی عـدل وصـلح وبرادری گام بر دارد، آیا اجرای این اصول بـدون انقلاب ممکن است؟ و به تعبیر دیگر: آیا اصـلاحات تـدریجی و رفورمها توانایی بر دگرگون ساختن چهره عمومی جهان با این همه ناهنجاریها دارند؟۴- اگر لازم است انقلابی صورت گیردآیا تنها از طریق قوانین مادی امکان پذیر است، یا بدون اسـتمداد از اصول معنوی وارزشـهای اصیل انسانی ممکن نیست.۵- باز اگر قبول کنیم چنین انقلابی بهرحال انجام گرفتنی است، رهبر این انقلاب چه صـفاتی باید داشـته باشد؟۶- آیا این انقلاب الزاماً به حکومت واحد جهانی میانجامد؟۷- آیا آمادگیهای خاصـی برای چنان حکومتی قبلا لازم نیست؟۸- این آمادگیها در دنیای کنونی وجود دارد یا نه؟ و اگر ندارد آیا درحال حاضـر جهان به سوی این آمادگیها گام برمیدارد یا به سوی عکس آن؟۹- آیا این امور -

بهرحال باعقیده عمومی مذاهب جهان نسبت به ظهور یک مصلح بزرگ آسمانی ارتباطی دارد؟ ۱۰- اعتقاد عمومی مسلمانان به ظهور مهدی چگونه است و پیوند آن با این مسائل سرنوشت سازچیست؟ ۱۱- آیا اعتقاد به چنان ظهوری ما را به اصلاح عمومی جهان از طریق یک انقلاب همه جانبه نزدیکتر میسازد یا آنچنانکه بعضی می اندیشند دور میکند؟ ۱۲- و آخرین سؤال اینکه آیا این فکر و عقیده عمومی مذاهب یک واقعیت عینی است و مولود دلایل منطقی، یا یک تخیل است برای اشباع کاذب تمایلات سرکوفته انسانها در مسیر گمشده عمومی یعنی «صلح» و «عدالت...»؟! شک نیست که در یک نظر ابتدایی قرائن گواهی می دهد که دنیا به سوی فاجعه پیش می رود، فاجعه ای که زائیده «ترک عواطف»، در «افزایش فاصله میان جوامع ثروتمند و فقیر»، «شدت گرفتن اختلافات و برخوردهای دولتهای بزرگ وکوچک»، «سیر تصاعدی جنایات»، «نا بسامانیهای اخلاقی و روحی و فکری»، و «فرآورده های نا مطلوب و پیش بینی نشده زندگی ماشینی» و مانند آن است. فاجعهٔ مقایسه وضع موجود با گذشتهٔ نزدیک، چهرهٔ آن را مشخص می سازد، و عامل مؤثری برای نمو جوانه های بدبینی در اعماق فکر خوشبین ترین افراد محسوب می گردد. آگاهان بین المللی می گویند تنها حجم بمبهای هسته ای موجود در زراد خانه های دولتهای بزرگ برای نابود ساختن تمام آبادیهای کره زمین نه یک بار بلکه هفت بار! کافی است. این سلاحها را با آن هزینه های سرسام آور که با ارقام نجومی قابل بیان است بی جهت نساخته اند، بازیچه نیست، برای مصرف در یک جنگ اتمی وحشتناک ساخته شده و پیدا کردن بهانه برای شروع آن، در جهانی که این همه برخورد مرزی و تزاحم منافع، و مناطق قابل انفجار وجود دارد کار مشکلی نیست. در سران بزرگ امروز دنیا نیز «حس جاه طلبی» و «جنون قدرت» نیز به اندازه کافی برای شروع چنین جنگی سراغ داریم! بنابراین پیش بینی میتوان کرد که در آینده ای نه چندان دور «فاجعهٔ بزرگ» روی دهد و احتمالاً بشریت در یک جنگ وسیع اتمی، یا بر اثر فقر اقتصادی ناشی از انحصارطلبی قدرتهای بزرگ، یا پایان گرفتن منابع انرژی و یا غیر قابل زیست شدن محیط زیست، از میان برود! ولی در برابر این همه عوامل بدبینی ابتدایی، مطالعات عمیقتر نشان میدهد آینده درخشانی در پیش است:این ابرهای تیره و تار با غرش تندرهای وحشت انگیز سرانجام کنار خواهد رفت. این شام سیاه قیرگون را صبح سپید امیدی به دنبال است. این سرمای سوزان زمستان جهل و فساد و زورگویی و ستم بهار شکوفان عدالتی در پی دارد. این اندوه کشنده، این طوفان مرگبار، و این سیل ویرانگر سرانجام، پایان میگیرد، و اگر خوب بنگریم در افقهای دور دست نشانه های ساحل نجات به چشم می خورد!نخستین دلیل منطقی برای این موضوع قانون سیر تکاملی جامعه هاست:از آن روز که انسان خود را شناخته هیچ گاه زندگی یکنواخت نداشته، بلکه با الهام از انگیزه درونی وشاید ناآگاه کوشش داشته که خود و جامعه خویش را به پیش براند.از نظر مسکن یک روز غار نشین بود و امروز آسمان خراشهایی ساخته که یک دستگاه آن میتواند جمعیتی معادل یک شهر کوچک را در خود جای دهد، با تمام وسایل زندگی و همه امکانات لازم برای مردم یک شهر!از نظر لباس یک روز از برگ درختان استفاده میکرد ولی امروز هزاران نوع لباس با هزاران طرح، و هزاران شکل در اختیار دارد و باز در جستجوی رنگها و طرحها و جنسهای دیگر است.یک روز غذایش فوق العاده ساده و محدود بود، اما امروز به قدری متنوع و گوناگون شده که تنها ذکر نام آنها نیازمند به یک کتاب بزرگ است.یک روز مرکبش تنها پایش بود، اما امروز بر سفینه های فضائی سوار میشود، و آسمانها را زیر پا میگذارد، و از کرات دیگر دیدن میکند.اما از نظر علم ودانش، یک زمان بود که تمام معلومات او در یک صفحه کاغذ میگنجید -گر چه هنوز خط اختراع نشده بود - ولی امروزه حتی میلیونها کتاب در رشته های مختلف بیانگر علوم و دانشهای او نیست.آن روز کشف آتش، و اختراع جسم مدوری به شکل «چرخ»، و حربه نوک تیزی مانند «خنجر» برای او کشف و اختراع بزرگی محسوب میگشت، و از اینکه با انداختن یک کنده درخت روی یک نهر توانسته از روی آن بگذرد بسیار خوشحال بود که پلی ساخته است، اما امروز صنایع سنگین و اختراعات حیرت انگیزش هر بیننده ای را گیج میکند، و سیستم پیچیده مغزهای الکترونیکی او را در عالمی از رؤیا فرو میبرد.و عجیب اینکه به هیچیک از اینها قانع نیست و باز برای وصول به سطحی بالاتر و برتر، تلاش وکوشش میکند، تلاشی پی گیر و خستگی ناپذیر.از

مجموع این سخن نتیجه میگیریم که عشق به تکامل در درون جان آدمی شعله ای است جاودانه و خاموش ناشدنی و در حقیقت یکی از امتیازات بزرگ انسان که او را از حیوانات و جانداران دیگر یعنی جاندارانی که ملیونها سال است درجا میزنند و زندگی ظاهراً یکنواختی دارند جدا میکند همین موضوع است.و باز بخوبی میتوان نتیجه گرفت که این نهاد بزرگ آرام نخواهد نشست، و همچنان انسان را در مسیر تکاملها به پیش میراند، و نیروهایش را برای غلبهٔ بر مشکلات و نابسامانیها و ناهنجاریهای زندگی کنونی بسیج میکند. و بسوی جامعه ای پیش میبرد که «تکاملهای اخلاقی» در کنار «تکاملهای مادی» قرار میگیرد.و بسوی جامعه ای که در آن از جنگ و خونریزیهای ویرانگر و ضد تکامل اثری نباشد.و بسوی جامعه ای که تنها «صلح و عدل» حاکم بر مقدرات انسانها باشد، و روح تجاوزطلبی و استعمار که مهمترین سد راه «تکامل مادی و معنوی» او است، در آن مرده باشد. ممکن است کسانی بگویند که تکاملهای گذشته همه در جنبه های مادی صورت گرفته، و دلیلی ندارد که سیر تکاملی معنویات را هم در برگیرد. ولی پاسخ این سخن روشن است زیرا اولاًـ در تکاملهای گذشته بسیاری از اصول معنوی و انسانی را نیز میتوان یافت مثلاً در علوم و دانشهای بشری که در پرتوی تکامل پیشروی عظیم کرده است.علوم غیر مادی هم کم نیست، و فی المثل اعتقاد بشر نخستین درباره «خدا»که بصورت پرستش قطعات سنگ و چوب حتی خرما بود هیچگونه شباهتی با درک یک دانشمند روشن ضمیر خداشناس یا یک حکیم عارف ربانی امروز، از این مسئله ندارد.ثانیاً تکامل در همه جا تکامل است، و عشقی را که در درون وجود نسبت به آن می یابیم هیچ حد و مرزی را به رسمیت نمی شناسد و در همهٔ زمینه ها جویای آن هستیم از این گذشته اصول مادی و معنوی از هم جدا نیستند، و فی المثل روح ستیزه جویی و برتری طلبی، و تجاوزگری، به همان اندازه زندگی مادی انسانها را به هم میریزند که یک بمب اتمی پر قدرت! بلکه دومی بدون اولی بکار نخواهد رفت!.این است که نخستین برقه امید برای وصول و آینده ای روشن، و دنیایی پر از صلح وصفا و برادری و برابری در پرتو قانون سیر تکاملی جامعه ها در نظرها پایدار میشود. بله هستی موهبتی است که خالق هستی ها به مخلوقات خویش ارزانی داشته است و آنها را بدین نعمت موجودیت بخشیده است. هر موجودی بنا به میزان درک و شعور خویش بهانه ای برای تداوم هستی جستجو میکند این بهانه ها، همان آرزوهایی است که در کنه ذات خویش به آنها دل بسته است و زندگی خویش را وابسته به آن میپندارد. انسانها هر مقدار کمال بیشتری داشته باشند و هستی بیشتری را درک کنند، آرزوهایی بزرگتر با مفاهیمی عظیم تر خواهند داشت. این انسان است که در پناه بهره وری از عقل، هستی را وسیع تر می بیند لذا دامنهٔ آرزوهایش گسترده تر از موجودات دیگر خواهد بود.پهنهٔ آرزوهای انسان بسیار وسیع است چنان که می تواند همه چیز را در خود جای دهد.حتی آنچه را که در واقعیت نمی تواند تحقق بخشد در آرزوها محقق میکند و غیر ممکن ها را ممکن میسازد. اگرچه برخی از آرزوهای دست نیافتنی و غیرممکن را دنبال نمیکند و برای آن نیرو صرف نمی نماید زیرا آنرا عقلائی نمی بیند اما آن دسته از آرزوهایش که خواسته هایی ممکن و انجام شدنی است و گاهی با تلاش بسیار و صرف وقت و عمر زیاد بدست میآید و گاه براحتی حاصل می شود را دنبال میکند.چنین خواسته هایی است که زندگی را تداوم میبخشد و تلاش را جهت میدهد و بذر امید را در دل میکارد و این امید سبب ادامه حیات و کوشش بیشتر میشود برای مثال، شخص بزرگسالی را در نظر بگیریم که آرزو دارد جوان شود هر دلی که عمری را میگذراند آرزوی جوانی و جوان شدن را در بر دارد و هر پیری به عمر گذشته افسوس خورده و برای جوانی ارزش بسیار قائل است ولی هیچگاه به جوان شدن دوباره خویش دل نمی بندد و در نتیجه برای تحقق این آرزو نیز تلاش نمیکند و باقی زندگی خویش را به کوشش در این زمینه به هدر نمیدهد چون میداند این امر، یک امر محال و ناممکن است و امید بستن به آن، جز یک خیال باطل و امید بیهوده چیز دیگری نیست. پس این امید است که زندگی را معنادار ساخته سختیها را آسان میکند و تحمل، آنها را شیرین مینماید. زندانی به امید آزادی، دوره محکومیت خویش را میگذراند. این امید آزادی است که او را پیش میبرد و به فرداهایش معنا میبخشد. زیرا در یکی از همین فرداها او نیز آزادیش را دوباره بدست خواهد آورد.بیمار به امید بهبودی، دوره بیماری را سپری میکند و معالجات سخت را بر خود هموار میسازد و شبهای طولانی را با

درد میگذراند و تلخی داروها را تحمل میکند و اگر اطمینان مطلق داشت که علاجی برای او نیست و یا اگر میدانست شفای او غیر ممکن است به هیچ یک از معالجات تن در نمیداد و هرگز قادر به تحمل وضعیت خویش نمی بود.مادر به امید نوزاد زیبایش، دوره بارداری را طی میکند و سنگینی بار را تحمل مینماید، زیرا آینده ای شیرین از کودکش، پیش چشم او ترسیم شده است. خلاصه اینکه هر کس به امیدی ادامه میدهد و پیش میرود. اگر امید به آینده ای بهتر نباشد و دور نمای زیباتری در پیش انسان گسترده نشده باشد، هر انسانی متوقف میشود و می ایستد. حذف امید در حقیقت، حذف توانایی و فلج کردن نیروی هر انسان تلاشگر است. شما نیز حتما بارها شنیده اید که انسان به امید زنده است.با مطالعه در احوال بشری دیدیم که امید در امتداد آرزوهای ممکن بشری پدید می آید و به خواسته های معقول آنها نیرو میبخشد و سبب تلاش و کوشش و مبارزه و پیشروی میشود و در انتها فهمیدیم که امید مسبب اصلی ادامه زندگی است.سر از دریچهٔ صبح امید کرد برون کسی که دامن شبهای انتظار گرفتما انتظار میکشیم تا امیدمان ثمر بدهد و به نتیجه برسد. نهال امیدمان را با انتظار آبیاری میکنیم تا میوه و نتیجهٔ این انتظار، تحقق خواسته و هدف مطلوبمان باشد. انتظار قدمی دیگر است از جانب ما به سوی خواسته های ممکن و هدفهای مطلوب زندگی.کوهنوردی را در نظر بگیرید که ستیغ قله ای را برای فتح و صعود برگزیده و به سوی آن در حرکت است. قله، هدف و آرزوی اوست که به آن وابسته و امیدوار شده است و این امید سبب تلاش و اقدام و خلاصه محرک اصلی اوست. انتظار رسیدن به قله، سبب میشود تا او قدمی دیگر بردارد و میخی دیگر بکوبد و هر بار سر را به سوی قله بلند کند و به فاصله کمتر شده خود و قله بنگرد تا بالاخره امید او نتیجه داده انتظارش به پایان برسد و قله را فتح کند. انتظار است که سبب میشود نیروهای خاموش آدمی روشن شود، جهت بگیرد و با تلاش و همت نتیجه ای عظیم به بار آورد هر چه آرزویی مطلوبتر باشد و هر چه هدفی دوست داشتنی تر باشد انتظارش سختتر و تلاش برای آن شیرین تر خواهد بود. انتظار عاملی است که صبر و تلاش را به دنبال می آورد و رسیدن به مطلوب را ممکن میسازد. هر چه هدف نزدیک شود صبر برای آن مشکلتر و تلاش برای آن بیشتر و جدی تر خواهد بود.همهٔ انسانها در این هدفها مشترکند هرچند ممکن است تعریفشان از کار خوب متفاوت باشد و یا زندگی را درگرو چیز دیگری ببینند. بهرحال دوست دارند خوب زندگی کنند و خوب زیستن را بیاموزند. شجاعت، سخاوت، راستگویی، ایثار و فداکاری و تمام صفات نیک انسانی جلوه های دوست داشتنی است که همگان به آنها ارج مینهند و هیچکس بطور طبیعی دوست ندارد این ارزشها را زیر پا بگذارد، مگر اینکه این اصول را مقابل هدف خویش بیابد و عمل به آنها مانع رسیدن به آرزویش شود. در این موقع است که از این ارزشها چشم میپوشد و تنها به هدف خویش مینگرد. ولی در عمق وجود، دائماً همراهی این دوره را طلب میکند و از اینکه صفات نیکوی انسانی سد راه وی شوند در رنج بوده و آنها را به فراموشی میسپارد.و در آخر یا به آنها نیندیشیده یا اعمال ناپسند خود را توجیح میکند و خاطر آسوده خویش را آرامش میبخشد.«انتظاراز دیدگاه توحیدی»روزگاری نه چندان دور را عصر طلائی بشر و روزگار رهایی آدمی نامیده اند. روزگاری که پیشینیان ما از آغاز خلقت به انتظارش نشسته اند و ما نیز چشم به راهش دوخته ایم. عصری که جهانی کامل در پرتوی ظهور و هدایت امامی صالح شکل میگیرد و خستگی دورانهای بلند زمان را از زمین می زداید. امامی کامل که مصلحی است نیکوکار، سایه امنش به وسعت تمامی بی پناهان است و دست مهربانش به سر تمامی غربت چشیدگان.بهاری که نه تنها زمین را سرسبز میکند که پهنه دلها را، بهاری میکند و همهٔ گیتی را طراوت بهاران میبخشد و جوانه زدن می آموزد. همان که یادش بهار خاطره هاست. گفته اند که او چشمهٔ آبی است که در کویر زندگی آدمیان می جوشد و سر بر می آورد و آبی تازه در رود زندگی جاری میسازد که خدایش فرموده است: ای رسول ما باز گو، به دیدهٔ تامل بنگرید که اگر آب مایه زندگی شماست، صبحگاهی، همه به زمین فرو رود. کیست که باز آب گوارایی برای شما پدید آورد! و کشتی نجاتی که در کنار ساحل طوفان زدهٔ غربت پهلو میگیرد و یک یک طوفان زدگان را پناه میبخشد و به ساحل سراسر هدایت و سعادت رهنمون میشود.امامی به خوبی مادر، به بخشندگی باران، به مهربانی برادر و دلسوزی پدر، همچون گرمای دلچسب خورشید، طراوت چشمه

و غدیر، صفای بوستان، زلالی آب، مشعلی نورانی فراز همهٔ قله ها، سایه اش به گستردگی آسمانها. او خواهد آمد و جهانی خواهد ساخت که وعدگاه تمامی تاریخ بوده است. عصری که پیامبران بخاطرش کوشیدند و به امیدش صبر کردند، وعده ای که نوید بخش هر رسالتی بوده است. چرا که از آغاز خلقت خداوند حلاوت زمان آخرین را نوید داده بود. پاداش امتحانهای سخت الهی که بر ظفریافتگانش بسیار شیرین می نماید، پاداشی بس بزرگ است که به دل مینشیند، رنجها را می زداید و دلها را التیام میبخشد. بسا که ارزش رنجی عظیم تر و آزمونی سخت تر را در خود نهفته داشته باشد.بله روح زندگی، دوباره زمین را فرا میگیرد، دلهای مرده، حیات میابند، زمینهای مرده جان میگیرند. آفتابی درخشان که طلوع میکند، تابیده و گرما میدهد و میدرخشد صبحی که پایان ندارد و خورشید جان آدمی را روشن نموده است و خواهیم دانست که نیش طعنه زنندگان و تمسخر ناباوران، پایان یافته. استقامتمان به ثمر رسیده، امیدمان نتیجه بخشیده و آنچه کرده ایم به درگاه باریتعالی پذیرفته شده است. برایستی که باید سر بر آستان درگاهش سایید و دستها را به شکر بلند کرد و به شکرانهٔ این نعمت فراگیر، فریاد برآورد که: الحمد لله رب العالمین.و آیا به حقیقت هرکس که روز را بشناسد، به انتظارش نخواهد نشست و در جستجوی آن نخواهد بود؟ براستی که در هر اندیشه ای این انتظار شکل خواهد گرفت و به آن اندیشه شیرینی و حلاوتی تازه خواهد بخشید. انتظاری که نه تنها عبث و بیهوده نیست بلکه آرمان افتخار آفرینی است که منتظران به آن می بالند.کدام خردمندی است که طالب هدایت نباشد و راه سعادت و تکامل را جستجو نکند؟آیا یافتن راه حقیقت، کم آرزویی است که صبر برای آن کم ارزش باشد؟! کدام دلی است که روشنی حقیقت را نطلبد و بدنبال آرامش نباشد؟ آیا تمامی تلاشهای بشر برای رسیدن به آرامش و آسایش نیست و جای امنیت و آسودگی گم نشده است.«چگونه هدفی صبر و انتظار می طلبد»انتظار عملی است نه چندان سهل و آسان، و نه آراسته به قامت نا آراستگان. عملی است با جلوه های گوناگون که هر جلوهٔ آن فراز وسیعی از بلندای تاریخ است و تاریخ دیانت، نکته های بسیاری از انتظار دارد.برای انتظار باید کوشید، تلاش کرد، مرحله ها را پشت سر گذاشت و گوهر دل را به جلوهٔ انتظار نشاند که هر فعل منتظر درسی از درسهای برگزیدگان الهی است. پس بنگریم آنچه را که باید دید و بیاموزیم آنچه را که باید آموخت. بله صبر را از نوح باید بیاموزیم. ابراهیم خلیل پیامبر الهی گفته منتظران بهوش باشید به خداوند، ما را نیز وعده کرده است و خدا وعده را اجابت خواهد کرد همانطور که دعاهای یعقوب را اجابت نمود و یوسف را به دامان پر محبت پدر برگرداند.مشقاتی که موسی از دوران کودکی کشید تا توانست در کنار دشمن خود فرعون، جوانی را طی کرده و بعدها برقوم بنی اسرائیل غالب شود. موسی میگوید پروردگارا کدام عالم پارسایی است که به نزدش رویم تا ما را به کوتاه کردن شب غیبتمان رهنمون شود و کیست که راه نجات را از این بیابان سرگردان به ما بنمایاند.ما نیز میخواهیم تا از سالهای غیبت بکاهیم و فرج عاجل را هدیهٔ پیشگاه امام زمانمان نماییم که سخت آرزومند برطرف شدن غم ها از چهرهٔ مبارکش هستیم.تاریکترین لحظات شب قبل از طلوع فجر است تاریکترین را بگذرانید، چشمها را به روی باد سرد شب، ببندید، تا نسیم خنک صبح، طلوع خورشید را برایتان به ارمغان آورد.سپیده میزند، سحر میدمد و آفتاب از میان لایه های عمیق شب خواهد گذشت و دست ناتوان امید را با دستهای گرمش توان خواهد بخشید. پیکر فرسودهٔ استقامت دوباره می ایستد و کمان خمیدهٔ صبر راست خواهد شد.ظفر نزدیک است. صبر پیشه کنید، استقامت ورزید که انتظار جامهٔ سعادت به بر خواهد کرد. اَلَیسَ الصبح بقَریب؟!جاری است از چشمه های نگاهمباران بی کسیخشکید شاخه ام، در این دشت پر خزانای سبز سبز نگاهت در انتظارالماس کن، این تیرهٔخواب راشبکور گمشده ام در کویر عشقسنگ صبور ما، باز آ به این مغاکای برق هر ستاره، بیدارکن و بشکنخاکستری خوابای یادگار همهٔ اعصاربرگرد پر شتاب

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹